

راه‌های جلب محبت الهی

حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی*

اشاره

رحمت، واژه‌ای مشترک میان خداوند و انسان است؛ با این تفاوت که وقتی درباره خداوند به کار می‌رود، با رحمتی که متناسب به انسان می‌شود متفاوت است. وقتی می‌گوییم فلان شخص رحیم است؛ یعنی درباره شخصی دیگر، مهربانی و رقت قلب دارد و بر همین اساس، ممکن است به او احسان نیز بکند. ولی از آنجایی که رقت قلب و عاطفه درباره حضرت حق به کار نمی‌رود، منظور فقط احسان و تفضل او به مخلوقاتش است.^۱ در یکی از خطبه‌های توحیدی نهج البلاغه، به همین نکته اشاره شده است: «بصیرٌ لا یوصفُ بالحاسَّةِ، رحیمٌ لا یوصفُ بالرَّقَّةِ؛^۲ خداوند بیناست، ولی به داشتن چشم معرفی نمی‌گردد. مهربان است، ولی به نازک‌دلی توصیف نمی‌شود».

اقسام رحمت الهی

پیش از پرداختن به راه‌های جلب رحمت الهی، لازم است با اقسام رحمت، (رحمت عام و خاص) آشنا شویم:

۱. رحمت عام

در رحمت عام الهی، همه انسان‌ها مشمول مهربانی خداوندند و هم‌چون باران، شامل مؤمنان و غیر مؤمنان و خوبان و بدان می‌شود. عالم بزرگ اسلامی ملا احمد نراقی، داستانی را در

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. ر.ک: حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۴۷.

۲. علی اکبر قرشی بُنایی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۷۸.

قالب شعر نقل کرده که جناب موسی علیه السلام عازم کوه طور بود، گبری جلوی او را گرفت و درخواست کرد پیغامش را به خداوند برساند: «من از خداوندی تو عار و ننگ دارم. اگر روزی مرا تو می‌دهی، هرگز نده؛ من نمی‌خواهم منت روزی تو را بکشم. نه تو خدای منی و نه من بنده تو هستم!».

حضرت موسی علیه السلام که از سخنان آن گبر بی‌ادب خشمگین شده بود، با خود گفت: سزاوار نیست که این مطالب را به خداوند بگویم. به کوه طور رفت و پس از اتمام مناجات، بدون آن‌که پیغام آن شخص را بگوید، قصد خروج از طور را کرد که ناگهان اعتراض الهی را شنید: تو واسطه میان من و مردمی، چرا پیام بنده‌ام را به من نگفتی! موسی عرض کرد: از گفتنش شرم دارم، خودت بینا و آگاهی که آن کافر چه گفت. خطاب رسید: از جانب من به او سلام برسان و بگو:

گر نمی‌خواهی تو ما را، گو مخواه
ما تو را خواهیم با صد عزّوجاه
روزیم را گر نخواهی، من دهم
روزیت از سفره فضل و کرم
گر نداری منتّ روزی ز من
من تو را روزی رسانم بی‌منن
فیض من عام است و فضل من عمیم
لطف من بی‌انتها، جودم قدیم^۱

این نکته را نیز اضافه کنیم که مقصود از رحمت عام، نعمت وجود یا همان خلقت، رزق و روزی، باران و دیگر نعمت‌های فراگیر است.

برخی از آیات قرآنی بیانگر این رحمت است که در این جا به دو مورد اشاره می‌شود:

الف) «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»^۲ و رحمتم همه چیز را فراگرفته است».

ب) «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا»^۳ [ملائکه خطاب به خداوند می‌گویند] پروردگارا!

رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است».

۲. رحمت خاص

برخی از آیات کتاب الهی، صراحتاً به رحمت خاص الهی اشاره می‌کند: «وَ اللّٰهُ يُخْتَصُّ

بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ»^۴ خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می‌دهد».

۱. ملا احمد نراقی، مثنوی طاق‌دیس، بخش ۱۴۰.

۲. اعراف: ۱۵۶.

۳. غافر: ۷.

۴. بقره: ۱۰۵ و آل عمران: ۷۴.

نخستین پرسشی که درباره رحمت خاص الهی وجود دارد این است که آیا اختصاص به آخرت دارد، یا علاوه بر آخرت، در دنیا نیز عده‌ای از انسان‌ها مشمول تفضلات ویژه الهی قرار می‌گیرند؟

در پاسخ می‌گوییم: هرچند ظرف اصلی رحمت خاص الهی در قیامت است، ولی از معارف دینی استفاده می‌شود که در همین دنیا نیز شاهد جلوه‌هایی از آن می‌باشیم. قرآن کریم، نزول خودش را به خدایی که هم رحمان و هم رحیم است نسبت داده می‌فرماید: «تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»^۱ این کتابی است که از سوی خداوند رحمان و رحیم نازل شده است.

علامه طباطبائی در توضیح این آیه شریفه می‌نویسد:

اگر از بین همه اسما و صفات خداوند، دو صفت «رحمان» و «رحیم» ذکر شده است - که اولی رحمت عامه خدا را حکایت می‌کند و شامل مؤمن و کافر می‌شود و دومی از رحمت خاصه خدا خبر می‌دهد و تنها شامل مؤمنین است - برای اشاره به این است که نزول قرآن، مایه اصلاح دنیای مردم است؛ هم‌چنان‌که مایه اصلاح آخرت‌شان می‌باشد.^۲

هم‌چنین در دعای ۵۴ صحیفه سجّادیه می‌خوانیم: «يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا»^۳ ای خدایی که در دنیا و آخرت رحمانی و در هر دوی آنها رحیمی.

راه‌های جلب رحمت خاص

در آیات قرآنی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، راه‌های گوناگونی برای برخورداری از فیض خاص خداوند معرفی شده است. هر مقدار که انسان همت و تلاش داشته باشد، می‌تواند از عنایات خاص الهی نیز بهره‌مند شود. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. ایمان راستین

ایمان آوردن به خدای متعال، نخستین و برترین سبب دریافت رحمت خاص حضرت حق است. خداوند متعال در سوره مبارکه احزاب به صراحت می‌فرماید: «وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا»^۴ و خداوند همواره نسبت به مؤمنان مهربان بوده است.

۱. فصلت: ۲.

۲. محمدحسین، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۳۵۹.

۳. علی بن الحسین، امام چهارم علیه‌السلام، الصحیفة السجّادیه، ص ۲۶۰.

۴. احزاب: ۴۳.

در این آیه شریفه، با کلمه رحیم، اشاره به رحمت خاص الهی به مؤمنان شده است که جا دارد قدری به توضیح آن پردازیم:

این کلمه و مشابه آن یعنی رحمان، به صورت مکرر در قرآن کریم آمده است. واژه رحمان که ۱۵۷ بار در قرآن آمده، اسم خاص الهی بوده و بر غیر او اطلاق نمی‌شود و به همین دلیل نیز می‌توان به جای آن از کلمه «الله» استفاده کرد. البته معنایی عام دارد و عمومیت رحمت الهی درباره همه انسان‌ها را می‌رساند. واژه رحیم نیز ۲۲۷ بار در قرآن به‌کار رفته و همگی وصف خداوند محسوب می‌گردد، به جز یک مرتبه که وصف رسول خدا ﷺ است.^۱ در نتیجه، رحیم هرچند بر غیر خدا نیز اطلاق می‌شود و از این نظر عام است، هنگامی که وصف خداوند است، معنایی خاص داشته اشاره به رحمت ویژه الهی به افراد مخصوصی دارد.

نشانه‌های ایمان

ایمان واقعی به خداوند، در گرو اطاعت از اوست که در قالب پیروی از قرآن، پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان علیه السلام نمایان می‌شود:

الف) تمسک به قرآن: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲ اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به آن [قرآن] تمسک جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضلی از سوی خود درمی‌آورد و به راهی راست به سوی خود راهنمایی می‌کند».

ب) اطاعت از رسول: «وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۳ و نماز را برپا دارید، و زکات را بدهید و رسول [خدا] را اطاعت کنید تا مشمول رحمت [او] شوید».

ج) محبت به امیرمؤمنان علیه السلام: در روایتی که ابن‌شاذان از رسول‌خدا ص نقل کرده، چنین آمده است: «أَلَا وَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَتَبَّتْ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَجْرِي عَلَى لِسَانِهِ الصَّوَابَ وَ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَبْوَابَ الرَّحْمَةِ»^۴ آگاه باشید کسی که علی را دوست بدارد، خداوند حکمت را در قلب او ثابت می‌گرداند و بر زبانش جاری می‌سازد و درهای رحمت را برای او باز می‌کند». البته محبت به

۱. توبه: ۱۲۸.

۲. نساء: ۱۷۵.

۳. نور: ۵۶.

۴. محمد بن احمد، ابن‌شاذان، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة، ص ۶۴.

حضرت نیز به تبعیت از آن ایشان کشیده می‌شود و اطاعت از قرآن و پیامبر ص را در پی دارد.

۲. شکیبایی

در سوره مبارکه بقره، پس از آن‌که آزمایش همه انسان‌ها به انواع مشکلات حتمی اعلام شده، آن دسته از آنان را که اهل شکیبایی هستند مشمول بشارت الهی دانسته، آن‌گاه به تبیین آن بشارت پرداخته است: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»^۱ این‌ها [صابران]، همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آن‌ها هستند هدایت‌یافتگان».

یوسف صدیق

شکیبایی یوسف علیه السلام در برابر سختی‌های زیادی که از ناحیه برادران و دربار مصر دید، رحمت خاص را برایش رقم زد و در همین دنیا، ریاستی را نصیبش کرد که طبق روال عادی زندگی آن روز، بسیار سخت بود برای چنین کسی فراهم شود: «كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُنْصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۲ و این‌گونه ما به یوسف در سرزمین [مصر] قدرت دادیم، که هر جا می‌خواست در آن منزل می‌گزید [و تصرف می‌کرد]. ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم می‌بخشیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کنیم».

امام سجاد علیه السلام نیز در ضمن دعای ابوحمزه، با اشاره به آیه فوق به پیشگاه الهی عرضه می‌دارد: «وَ بِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ»^۳ خدایا! علاقه خاطر من به رحمت توست که آن را به هر کس بخواهی می‌رسانی».

در این جا حدیث زیبایی را که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده، مروری کنیم:

آزادمرد در همه احوال آزادمرد است؛ اگر گرفتاری برایش پیش بیاید صبر می‌کند و اگر مصیبت‌ها بر سرش فرو ریزد ناراحت نمی‌شود، اگر چه اسیر شود و مغلوب گردد و آسایش‌اش تبدیل به سختی شود؛ چنانکه یوسف صدیق امین علیه السلام را بردگی و مغلوبیت و اسارت زیان نبخشید و او را تغییر نداد و تاریکی و ترس چاه و آنچه بر سرش آمد، ضرری بر او وارد نساخت؛ تا اینکه خداوند بر او منت گذارد و ستمگر سرکش را برده او کرد، بعد از آن‌که مالک او بود و او را رسول قرار داد و به سبب او به امتی رحم کرد و

۱. بقره: ۱۵۷.

۲. یوسف: ۵۶.

۳. دعای ابوحمزه.

صبر این چنین است که این همه خیر و برکت به دنبال دارد. پس شکیبا باشید و دل به شکیبایی بدهید تا اجر و پاداش نصیبتان شود.^۱

مولانا چه زیبا گفته است:

عار نبود شیر را از سلسله^۲ نیست ما را از قضای حق گلیه
شیر را برگردن از زنجیر بود بر همه زنجیرسازان، میر^۳ بود^۴

تغییر نگاه

امام صادق علیه السلام در گفتگویی با یکی از اصحاب‌شان به نام اسحاق بن عمار، مصیبت واقعی را غیر از آن چیزی که ما در ظاهر مصیبت می‌دانیم معرفی کرده از همه ما خواسته است تا زاویه نگاهمان به مشکلات را عوض کنیم:

يَا إِسْحَاقُ لَا تُعَدِّنْ مُصِيبَةً أُعْطِيتَ عَلَيْهَا الصَّبْرَ وَ اسْتَوْجِبْتَ عَلَيْهَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
الثَّوَابَ إِنَّمَا الْمُصِيبَةُ الَّتِي يُحْرَمُ صَاحِبُهَا أَجْرَهَا وَ ثَوَابُهَا إِذَا لَمْ يَصْبِرْ عِنْدَ نَزْوِلِهَا؛^۵ ای
اسحاق! مبادا آن مصیبتی را که هم صبرش به تو داده شده و هم ثوابش بر تو واجب
گشته، مصیبت بشماری. همانا مصیبت واقعی آن است که صاحبش به جهت
بی‌صبری در وقت نزول آن، از اجر و پاداش ناکام و بی‌بهره ماند.

در آیات مربوط به ایوب پیامبر علیه السلام، خداوند با عناوین گوناگونی از او تجلیل کرده و ویژگی برجسته آن پیامبر الهی یعنی شکیبایی کم‌نظیرش در برابر بیماری را برای درس‌آموزی ما بیان نموده، سپس پاداش خودش به این بنده صابر را این‌گونه بیان فرموده است: «وَاهْبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ»^۶ و ما خانواده‌اش را (که در اثر بیماری سخت و طولانی از او جدا شده بودند) به او بخشیده و برگرداندیم و همانند آنها را به آنان افزودیم.

نکته قابل توجه اینکه در ادامه همین آیه، این تفضل را بر اساس رحمت خاص خود معرفی کرده، می‌فرماید: «رَحْمَةً مِنَّا».

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸۹.

۲. زنجیر.

۳. سرور.

۴. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ابیات ۳۱۶۱ - ۳۱۶۰.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۲۵.

۶. صاد: ۴۳.

باید با خود بیندیشیم که ایوب ع چگونه توانست به درجه‌ای از استقامت برسد و رحمت ویژه الهی را نصیب خود کند! این عبد صالح خدا، نگاهش به بیماری را از دریچه رنج و سختی، به دریچه ضیافت تغییر داد و آن را هم چون میهمانی دانست که خداوند برایش فرستاده است؛ لذا کوشید تا از این میهمان به شایستگی میزبانی کند:

هفت سال ایوب با صبر و رضا در بلا خوش بود با ضیف خدا
از وفا و خجالت علم خدا بود چون شیر و عسل او با بلا
آن ضمیر رو تَرُش را پاس دار آن تَرُش را چون شکرشیرین شمار^۱

۳. نماز

نماز، یکی از مهم‌ترین اسباب جلب رحمت خاص الهی بوده که هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین آن شود و حقیقتاً بی‌مانند است. به همین دلیل، در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام می‌خوانیم: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ مَا انْقَتَلَ وَلَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ^۲؛ اگر نمازگزار از رحمتی که سراپای او را فرا گرفته خبر داشته باشد، دل از نماز نخواهد کند و دوست ندارد سر از سجده بردارد».

هم‌چنین در حدیث دیگری از آن حضرت آمده است: نماز به قدری سبب جلب رحمت الهی می‌شود که ابلیس به نمازگزار حسادت می‌کند: «إِذَا قَامَ الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِبْلِيسَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ^۳؛ هنگامی که شخصی به نماز می‌ایستد، شیطان که می‌بیند رحمت خدا او را فرا گرفته، از روی حسد به او می‌نگرد».

در سیره امیرمؤمنان علیه السلام هم جریان‌های عجیبی درباره اهتمام ویژه ایشان به نماز گزارش شده است. برای مثال، نقل شده در یکی از روزهایی که مشغول جنگ صفین بودند، به آفتاب نگاه می‌کردند. ابن عباس پرسید: چرا به آفتاب می‌نگرید؟ فرمود: می‌خواهم زوال خورشید را ببینم تا نماز بخوانم. ابن عباس گفت: آیا در این گیرودار اشتغال به جنگ، هنگام نماز خواندن است؟ حضرت فرمود: «عَلَى مَا تَقَاتِلُهُمْ؟ إِنَّمَا تَقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ؛ ما برای چه با این قوم می‌جنگیم؟ جنگ ما با آن‌ها برای این است که نماز برپا شود!».

۱. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۳۶۹۶ - ۳۶۹۲ - ۳۶۸۹.

۲. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۲۲.

۳. همان.

ابن عباس در ادامه می‌گوید: آن حضرت هیچ‌گاه نماز شب را ترک نفرمود؛ حتی در لیلۃ-الهریر (که سخت‌ترین شب‌های جنگ صفین بود).^۱
چه زیبا سروده است:

ارزنده‌ترین گوهر مقصود، نماز است	زیبنده‌ترین هدیه به معبود، نماز است
فرمود علی شیر خدا، ساقی کوثر	در مکتب ما، شاهد و مشهود، نماز است
این نکته رسول مدنی گفت به‌سلمان	سری که به توفیق تو افزود، نماز است
در دادگه عدل خدا روز قیامت	از صلح حسن، مقصد و مقصود، نماز است
از آمدن کرب و بلا آنچه به عالم	مقصود حسین بن علی بود، نماز است
آن روز که آید ز پس پرده غیبت	اول هدف مهدی موعود، نماز است ^۲

۴. خیرخواهی برای دیگران

از دیگر چیزهایی که نقش پررنگی در سوق دادن رحمت خاص خداوند به سوی انسان دارد، ترحم به مخلوقات الهی است. از همین رو، در حدیثی کوتاه از امیرمؤمنان علیه السلام چنین آمده است: «بَدِّلِ الرَّحْمَةَ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ؛^۳ با رحمت نسبت به دیگران، رحمت الهی نازل می‌شود». هم‌چنین آن حضرت در حدیث دیگری، این راه را برترین راه برای نزول رحمت الهی معرفی کرده است: «أَبْلَغُ مَا تُسْتَدْرَبُ بِهِ الرَّحْمَةُ أَنْ تُضْمَرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةُ؛^۴ رساترین چیزی که رحمت الهی را فرود می‌آورد، این است که در دل خود، برای همه مردم رحمت بخواهی». معنای فرمایش امام علیه السلام این است که حتی برای آن دسته از کفار که معاند و لجوج نیستند هم خیرخواه باشید.

مولانا می‌گوید:

اشک خواهی رحم کن بر اشک‌بار رحم خواهی بر ضعیفان رحم آر^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۳.

۲. جواد محدثی.

۳. عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۵.

۴. همان، ص ۲۱۶.

۵. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت ۸۲۲.

عاقبت به خیری کافر

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به ماجرای اسلام آوردن یکی از کفار در صدر اسلام، به سبب روحیه سخاوتش اشاره شده است:

گروهی از یمن برای بحث و جدال خدمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و در میان آن‌ها مردی بود که از همه بیش تر سخن می‌گفت و خشونت و لجاجت خاصی در برابر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌نمود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن چنان عصبانی شد که آثار غضب در چهره مبارکش آشکار گردید. ناگهان جبرئیل آمد و عرض کرد:

«رَبُّكَ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ هَذَا رَجُلٌ سَخِيٌّ يُطْعِمُ الطَّعَامَ؛ پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: این مرد، سخاوتمند است و اهل اطعام به دیگران می‌باشد».

خشم رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با شنیدن این سخن فروکش کرد و به آن مرد فرمود: پروردگار به من چنین پیامی داده است و اگر به سبب آن نبود، آن چنان بر تو سخت می‌گرفتم که عبرت دیگران گردی.

آن مرد پرسید: آیا پروردگارت سخاوت را دوست دارد. حضرت فرمود: بله. گفت: من شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست و تو رسول و فرستاده او هستی.

سپس ادامه داد: سوگند به همان خدایی که تو را مبعوث کرد، تاکنون هیچ‌کس را از نزد خود محروم برنگردانده‌ام.^۱

نکته حائز اهمیت در این باره آن است که مصادیق ترحم به دیگران، متفاوت بوده و در شرایط گوناگون متغیر است: گاهی سخاوت و کمک مالی است و زمانی حتی می‌تواند در قالب در آغوش کشیدن باشد؛ لذا در حدیث صحیح السنندی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌خوانیم: «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا اعْتَنَقَا عَمَرْتُهُمَا الرَّحْمَةَ؛ به راستی هنگامی که دو نفر مؤمن معانقه می‌کنند، رحمت [الهی] آن دو را فرا می‌گیرد».

بعد حضرت ادامه داد: هرگاه همراه شدند و از این همراهی جز رضایت الهی غرض دیگری نداشته باشند، به آن‌ها گفته می‌شود: «گناهان شما بخشیده شد، پس [پرونده را] از سر بگیرید». و هرگاه دو مؤمن از هم‌دیگر پرسشی داشته باشند، برخی از ملائکه به برخی دیگر می‌گویند: «از آن‌ها دور شوید که آن‌ها اسراری دارند و خداوند اسرار آن‌ها را پوشانده است».

راوی (اسحاق بن عمار) عرض کرد: فدایت گردم، چه طور سخنان آن دو ثبت نمی‌شود،

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۳۹.

در حالی که خداوند فرموده است: «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۱ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد، مگر اینکه همان دم فرشته‌ای مراقب و آماده برای انجام [دادن] مأموریت [و ضبط آن] است».

امام علیه السلام آه عمیقی کشید و به گونه‌ای گریست که اشکان مبارک‌شان، محاسن ایشان را فرا گرفت و آن‌گاه فرمود: ای اسحاق! خدای بلندمرتبه امر کرده که از مؤمنین هنگام ملاقات دور شوند، این به دلیل احترام آن‌هاست. هر چند ملائکه سخنان آن‌ها را نمی‌شنوند، ولی عالم پنهان و آشکار (یعنی خداوند) از آن آگاهی دارد و آن را نگاه‌داری می‌کند.^۲

در پایان، عناوین برخی دیگر از راه‌های جلب محبت الهی بیان می‌شود:

۱. گریه بر امام حسین علیه السلام:^۳ گریه بر امام حسین علیه السلام باعث جلب رضایت و محبت الهی

می‌شود.

۲. توبه: جناب صالح پیامبر علیه السلام به قومش فرمود: «لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۴.

هم چنین در حدیثی از امیرمؤمنان ع می‌خوانیم: «التَّوْبَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ»^۵.

۳. خدمت به والدین: در روایات زیادی، احسان به والدین، از والاترین اسباب جلب

رحمت الهی معرفی شده است. روایتی از رسول خدا ص، کسی را که بعد از فوت والدینش نیز برای آن‌ها احسان کند، سرور بهشتیان معرفی کرده است: «سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا»^۶.

۴. انس و ارتباط با قرآن: خداوند متعال فرموده است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ

أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۷.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌شاذان، محمد بن احمد، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والأئمة، چاپ اول، قم:

۱. ق: ۱۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۴.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۱.

۴. نمل: ۴۶.

۵. حسین بن محمد تقی نوری؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۶. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۶.

۷. اعراف: ۲۰۴.

- مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول، تحقيق و تصحيح على اكبر، غفارى، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسين ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ق.
۳. ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، تحقيق و تصحيح عبد الحسين، امينى، چاپ: اول، نجف اشرف: دار المرتضوية، ۱۳۵۶ ش.
۴. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الإسلامی ۱۴۱۰ق.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقيق و تصحيح صفوان عدنان، داوودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۶. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، لبنان - بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۷. علی بن الحسین، امام چهارم عليه السلام، الصحیفة السجادیة، قم: چاپ اول، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ش.
۸. قرشی بُنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة)، تصحيح على اكبر غفارى و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة ۱۴۰۷ق.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، بحارالانوار (ط - بیروت)، تحقيق و تصحيح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. بلخی، جلال‌الدین محمد؛ مثنوی معنوی؛ چاپ ۲۵، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷ش.
۱۲. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقيق و تصحيح مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.